



The Foundations of Recitation [Qira't] in Sheikh Tusi's Exegesis of Al-Tibyan [= Clarification]*

Mohammad Shafi dar^۱

Mohammad Amini Tehrani^۲

Abstract

The topic of the foundations of recitation [qira't] in exegesis is one of the important issues of the sciences of recitations [qira'at] and interpretation, which has been one of the concerns of scholars and specialists of both sciences for a long time ago. Before starting exegesis, the interpreters of the Holy Quran inevitably must also choose one or more bases in this regard and base their exegeses on it/them. The research method in this article is descriptive-analytical using library resources/desk research. However, Sheikh Tusi considers recitations [qira't] to be the prevalent recitations [qira'at]. Same like, he accepts the basic diversity of recitation [qira't] in the Quran from the companions of the Holy Prophet (P); the seven reciters [qurra'] and other reciters. Based on the studying Sheikh Tusi's exegesis of Al-Tibyan [= Clarification] based on four criteria, he separates the valid recitations [qira'at] from the invalid ones. Sheikh Tusi accepts only those recitations [qira'at] that are compatible with the definite rules and principles of the Arabic language, syntax, and morphology, and recitations [qira'at] that are not compatible with these rules are rejected. So, he does not accept the irregular [shazz] recitation [qira't]. Same as if a specific recitation [qira't] forbidden by the authentic hadiths of Infallible Ones (A.S), it will undoubtedly be invalid and inaccurate and reading [tilawat] Quran on the base of such recitations [qira'at] is not permitted.

Keywords: Quran, Tafsir, recitation, Basics of Tafsir recitation, Sheikh Tusi, Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran.

*. Date of receiving: ۲۱, February, ۲۰۲۱ Date of approval: ۷, July, ۲۰۲۱

۱- Student of level ۴ Qiraat to skills and studies, Al-Mustafa international university (Pakistan) (Corresponding Author), mohdsdar۳۱۳@gmail.com

۲- Assistant professor of Al-Mustafa international university, Amini۶۳@cmail.ac.ir



مبانی قرائی در تفسیر التبیان شیخ طوسی*

محمد شفیع دار^۱ - محمد امینی تهرانی^۲

چکیده

بحث مبانی قرائی تفسیر از مسائل مهم دانش قرائات و دانش تفسیر است که از دیرباز مورد توجه علماء و دانشمندان هر دو علم قرار گرفته است. مفسران قرآن کریم قبل از ورود به تفسیر ناگزیر باید در این زمینه نیز به یک یا چند مبنا برسند و تفسیر را بر اساس آن بنیان نمایند. روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. هرچند شیخ طوسی قرائت را به قرائات رایج روا می‌داند؛ اصل گوناگون قرائت را در قرآن از اصحاب نبی مکرم ﷺ، قراء سبعة و دیگر قاریان قبول می‌کند. بر اساس بررسی در تفسیر التبیان شیخ طوسی بر پایه چهار ملاک، قرائت معتبر را از نامعتبر می‌داند. شیخ طوسی تنها آن قرائتی را می‌پذیرد که با قواعد و اصول قطعی و مسلم لغت، نحو عربی و صرف سازگار باشد و قرائتی که با این قواعد سازگار نباشد؛ مردود است و قرائت شاذ را نمی‌پذیرد و اگر قرائت مخصوص که بر اساس احادیث معتبر مورد نهی معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته باشد، آن هم بدون شک نامعتبر و ناروا خواهد بود. قرائت مخالف خط مصحف مرسوم نامعتبر است و تلاوت قرآن کریم به چنین گونه قرائت‌هایی صحیح نیست.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر، قرائت، مبانی قرائی تفسیر، شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶.

^۱ - دانشجوی سطح چهار علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی (پاکستان) (نویسنده مسئول): mohdsdar۳۱۳@gmail.com

^۲ - استادیار جامعه المصطفی العالمية: Amini۶۳@cmail.ac.ir



مقدمه

تعیین مبانی قرائی در قرائت قرآن کریم از مهمترین اصولی است که هر مفسری باید به آن ملتزم باشد. شیخ طوسی نیز مانند سایر مفسران چندین مبنا از مبانی قرائی تفسیر قرآن کریم را مورد توجه قرار داده است. مبانی اول: معتبرترین و صحیح‌ترین قرائت؛ مبانی دوم: قابل اعتمادترین قرائت؛ مبانی سوم: تواتر قرائات قرآن کریم؛ مبانی چهارم: احرف سبعة؛ مبانی پنجم: حجیت قرائات قرآن کریم؛ مبانی ششم: قرائات قرآن کریم و عدم تحریف آن. واضح و روشن است برداشت مفسر قرآن در هر یک از این شش مبنا نقش تعیین‌کننده‌ای در تفسیر وی از آیات قرآنی خواهد داشت.

مفهوم‌شناسی

۱. مبانی

الف. معنای لغوی

لغت‌شناسان مبانی را جمع مبنا به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۷۷۵۹). بدین جهت، اساس و مبانی کتابت را حروف می‌دانند (طبرسی، مجمع‌البیان، بی تا: ۱/۱۱۳)؛ و در مفهوم‌شناسی حروف، بیان شده که (کثرة المبانی تدل علی کثرة المعانی؛ همو، جوامع الجامع، ۱۳۷۴: ۶/۵۱۴) که نشان از نقش حروف به عنوان اصل و پایه در توسعه و گسترش معانی دارد.

ب. معنای اصطلاحی

در حال حاضر با توجه به معنای لغوی «مبانی» تقریباً تعریفی مساوی از آن در میان محققان و پژوهشگران شهرت یافته است و درباره تعریف آن اتفاق نظر وجود دارد، گرچه در نوع مبانی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. به طور کلی مبانی هر علم، اعتقادهای اساسی‌اند که در شکل و هیئت مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از اصول تصدیقی آن دانش را تشکیل داده و مبادی موضوع آن علم معروف و مشهور می‌شوند و مسائل آن دانش بر آن‌ها برقرار و پابرجا هستند (سبزواری، شرح منظومه، ۱۴۱۷: ۱/۸۷-۸۸). وجود مبانی برای هر علمی امری طبیعی، لازم و مسلم است. در علم تفسیر قرآن کریم بر اثر ارزش و اهمیت این علم از نظر موضوع و غرض و فایده آن، لازم‌تر و بحث در مورد آن‌ها مهم‌تر است،

از همین جهت مفسران در طول تاریخ تفسیر همواره بر اساس مبانی از پیش پذیرفته شده‌ای به تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند. پیرامون تواتر قرائات هفت‌گانه، جماعتی از مفسران با پذیرش آن به تفسیر روی آوردند و در نتیجه با توجه به همه قرائت‌های سبعة به استنباط احکام و معارف از این قرائات روی آورده و تمامی قرائات را مقصود پروردگار عالم یا دست‌کم حجت الهی تلقی کردند (الدوسری، اثر اختلاف القراءات فی الاحکام الفقہیہ، ۱۴۲۶: ۱/ ۲۷). در مقابل، برخی دیگر حجیت قرائات هفت‌گانه را منکر شده، تنها قرائت رایج و رسمی (بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۱/ ۲۹؛ طیب، تفسیر اطیب البیان، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۷)؛ یا هر قرائتی را که اعتبار آن ثابت شود (رجبی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۳: ۱/ ۶۴-۷۱)؛ حجت و معتبر شمردند.

۲. قرائت

الف. معنای لغوی

قرائت، از مصدر «قرأ» و جمع آن قرائات است. «قرأ» دلالت بر معنای جمع کردن دارد (ابن فارس، معجم مقانیس اللغة، ۱۴۰۴: ذیل ماده قری). قرائت معمولاً بر خواندن به‌طور عام اطلاق می‌شود، اعم از این که خواندن با فهم و درک همراه باشد یا خیر؛ خواندن با شرایط و آداب خاص مورد تأکید در شرع صورت پذیرد یا بدون آن؛ خواندنی که به عمل و کاربرست محتوایش منجر شود یا در حد ادای الفاظ باقی بماند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۳۷۵: ۱۶۸).

ب. معنای اصطلاحی

زکریای انصاری درباره قرائت گفته است: «قرائت به کسر قاف و تخفیف راء از نظر قراء عبارت از این است که قرآن کریم قرائت شود؛ اعم از آن که قرائت به‌صورت تلاوت برگزار شود و یا به‌صورت (ادا)؛ یعنی از طریق فراگیری و دریافت از بزرگان و استادان قرائت- انجام گیرد» (تهانوی فاروقی، کشف اصطلاحات الفنون، ۱۹۶۳: ۵/ ۱۱۵۸).

زرکشی قرائت را بدین گونه تعریف کرده است: «قرائت‌ها عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که این اختلاف در رابطه با حروف و کلمات قرآن کریم و کیفیت آن‌ها از قبیل تشدید و تخفیف و امثال آن‌ها از طرف قاریان قرآن کریم حکایت شده است» (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱/ ۳۸).

ابن جزری، در مورد قرائت این‌طور بیان کرده است: «قرائت‌ها عبارت از علم به کیفیت ادای حروف قرآن کریم و اختلاف این کیفیت، اختلافی که در آن گفته شده است، به راوی و ناقل آن منسوب



است»؛ به عبارت دیگر این طور گفته می شود؛ یعنی این اختلاف را به کسی که آن را نقل و بیان کرده است، نسبت می دهند (ابن الجزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۳).

مبنای اول: معتبرترین و صحیح ترین قرائت نزد شیخ طوسی

مرحوم شیخ طوسی در مقدمه تفسیر گران سنگ «التبیان فی تفسیر القرآن»، به صورت اجمال اختلاف قراء در متن قرآن مجید را قبول کرده اند. وی در جاهای مختلف این تفسیر خصوصیات و ویژگی های قرائت صحیح و معتبر را بیان کرده و با توجه به بررسی های انجام گرفته می توان به قواعد و اصولی دست یافت که مرحوم شیخ طوسی در داوری میان قرائت های نقل شده، بعضی را معتبر و صحیح و بعضی دیگر را نامعتبر و ناصحیح می داند و یا قرائتی را بر دیگر قرائت صحیح می داند. شیخ طوسی برای قرائت معتبر و صحیح چهار نوع ملاک در شرح ذیل بیان می کند:

ملاک اول: سازگاری با قواعد لسان عربی

شیخ طوسی در موارد اختلاف قرائت صرفاً آن قرائتی را قبول می کند که با قواعد و اصول قطعی لغت، صرف و نحو عربی سازگار باشد و قرائتی که با اصول موافق نباشد؛ مردود می شمارد.

۱. در آیه شریفه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» (بقره/۱۱۹)؛ عموم قراء «لَا تُسْئَلُ» لا نفی و فعل مجهول مفرد مخاطب و مرفوع خوانده اند و از قراء سبعة فقط نافع «لَا تُسْئَلُ» لا نهی و فعل معلوم مفرد مخاطب و مجزوم خوانده اند (ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰: ۱۶۹/۱). شیخ طوسی در این آیه شریفه دو قرائت را ذکر می کند؛ یکی ابی بن کعب و دیگری عبدالله بن مسعود؛ ابی بن کعب «وَمَا تُسْئَلُ» قرائت کرده است و عبدالله بن مسعود «وَلَنْ تُسْئَلَ» قرائت کرده است. شیخ طوسی این جمله «وَلَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» را حال گرفته و معنا آیه این گونه خواهد بود: «ما شما را بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم، در آن حال که از دوزخیان از تو پرسش نمی شود.» حروف و ادات عربی در کاربرد یکسان نیستند، مثلاً «لا»، «ما»، «لن» اگرچه این سه دال بر نفی می کنند، ولی مسئله این است که جمله حالیه با «لن» و «ما» شروع نمی شود، پس بر این اساس، شیخ طوسی قرائت ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود را صحیح نمی داند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴۳۵/۱).

۲. «وَلِيُخْصِمَ أَهْلَ الْأَنْجِيلِ» (مائده/۴۷)؛ شیخ طوسی در این آیه شریفه قرائت حسن بصری را ذکر می کند که «أَهْلُ الْأَنْجِيلِ» قرائت کرده است. وی این قرائت را رد و نادرست می شمارد، بر این

اساس هیچ واژه‌ای در زبان عربی بر وزن «افعلیل» شناخته نمی‌شود (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۳/ ۵۴۰).

۳. شیخ طوسی در آیه شریفه «فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (ابراهیم/ ۴۷)؛ قرائت «مُخْلِفًا وَعْدِهِ رُسُلَهُ» را بیان می‌کند. به دلیل این‌که قرائت «وَعْدَهُ» به «رُسُلِهِ» اضافه شده است و به این علت «رُسُلِهِ» مجرور شده است. از دیدگاه شیخ طوسی این قرائت مردود است، چون قابل تحسین نیست، در بین این قرائت میان مضاف و مضاف الیه یک ضمیر غایب فاصله افتاده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۶/ ۳۰۴).

ملاک دوم: معتبرترین قرائت و سازگاری با خط مصحف

مصحفی که در زمان خلیفه سوم گردآوری و تدوین شد و بعد از آن با تأیید اهل بیت (علیهم‌السلام) همراه شد، آن را خط درست و معتبر قرآن مجید حساب می‌شود. تقریباً تمام محققان قرائات نیز گفتند که هر قرائتی که با خط مصحف موافقت نباشد، آن قرائت قابل تحسین نیست و این نوع قرائت مردود به شمار می‌رود (طبری، جامع البیان فی تحویل القرآن، ۱۴۱۲: ۴/ ۲۶۲). شیخ طوسی همواره قرائتی را که سازگار رسم الخط مصحف است، انتخاب کرده و هر قرائتی که مخالف رسم الخط مصحف باشد، نمی‌پذیرد. دو نمونه به شرح ذیل بیان می‌شود:

۱. «إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ» (بقره/ ۷۰)؛ «این گاو برای ما مبهم شده! و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد.» در این آیه شریفه شیخ طوسی قرائت اعمش (سلیمان بن مهران) را مورد بحث قرار می‌دهد و این چنین بیان می‌کند: «إِنَّ الْبَقَرَ مُتَشَابَهٌ»، پس این قرائت مخالف رسم الخط مصحف است. از این لحاظ به دلیل عدم موافقت با مصحف معروف و مشهور آن را قابل پذیرش نمی‌داند و مردود می‌شمارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۱/ ۲۹۵).

۲. «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود/ ۴۲)؛ صاحب تفسیر التبیان اعتبار مصحف در چگونگی قرائت را از حضرت امام محمدباقر (علیه‌السلام) و عروه بن زبیر حکایت می‌کند که آیه شریفه «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ» را چنین می‌خوانده‌اند: «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ». آنان عقیده داشتند که آن شخص عاصی و سرکش، فرزند حضرت نوح نبوده است، بلکه پسر همسر حضرت نوح بوده است. بنابراین، جمله این‌طور بود: «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهَا» و در این آیه، خط مصحف به شکل «ابنه» آمده و ثبت شده، نه ابنها، پس به خاطر دوری از مخالفت با خط مصحف عثمانی، «ابنه» خوانده‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۵/ ۴۸۸).



در اینجا نکته‌ای قابل تأمل است که مراد از خط مصحف، خطی است که مصاحف امّ در عصر عثمان نگارش شده است؛ بنابراین خصوصیات آن خط (نبودن نقطه علائم سجاوندی و الف میانه لفظ) را باید مورد توجه قرار داد و نه خط حال حاضر مصحف. شرح ذیل چند لفظ به عنوان نمونه بیان می‌شوند: «خَطَايَا» و «خَطِيئَاتٍ» را مورد توجه قرار بگیرد. صاحب تفسیر التبیان فرمودند که قراء در آیه شریفه «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَمَلَأُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرَ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/ ۵۸)؛ لفظ «خَطَايَاكُمْ» اختلافی ندارند، ولی در آیه شریفه «وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرَ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ» لفظ «خَطِيئَاتِكُمْ» مورد اختلاف واقع شده است؛ قراء یثرب و یعقوب «خَطِيئَاتِكُمْ» خوانده‌اند و ابن عامر «خَطِيئَتِكُمْ» قرائت کرده است و ابو عمرو «خَطَايَاكُمْ» و بقیه قراء «خَطِيئَاتِكُمْ» خوانده‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۶/۵). هم چنین در آیه «مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَذْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا» (نوح/ ۲۵)؛ واژه «خَطِيئَاتِهِمْ» را «خَطَايَاكُمْ» قرائت کرده است و بقیه قراء «خَطِيئَاتِهِمْ» خوانده‌اند (همان: ۳۵/۱۰).

صاحب تفسیر التبیان اختلاف و اتفاق قراء در این سه جای را به دلیل خط مصحف امّ می‌شمارد. این لفظ در سوره مبارکه بقره با دو الف پیش و پس از یاء و در سوره اعراف و نوح با یک الف (پیش از حرف تاء) نگاشته شده است. بر اساس این لفظ مکتوب در سوره مبارکه بقره صرفاً به صورت «خَطَايَاكُمْ» قرائت می‌شود، ولی در سوره‌های اعراف و نوح به دلیل خصوصیت‌های خط مصحف، وجوه دیگری نیز در جریان خواندن واقع می‌شود (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱/۲۶۴). خط مصحف قرینه مشخص‌کننده در اعتبار قرائت است، البته موارد بسیار کم است که خط مصحف امّ با یکدیگر اختلاف وجود دارد و در این حال هر یک از دو قرائت موافق خط یکی از دو خط است و در این صورت ترجیح بر اساس خط مصحف امکان نخواهد بود. صاحب تفسیر التبیان یک مورد را بیان می‌کند. در آیه شریفه «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (حدید/ ۲۴)؛ دو قرائت ذکر می‌کند:

نمونه اول: قاریان مدینه و شام «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» خوانده‌اند؛ چون که در خط مصحف آنان لفظ «هو» نوشته نشده است؛ دوم: بقیه قاریان چون در خط مصحف آنان «هو» ثبت شده است، لذا آنان این را می‌خوانند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۵۱۸/۹). صاحب تفسیر التبیان در بعضی از آیات، قرائتی از ائمه اطهار علیهم‌السلام حکایت می‌کند که آن قرائات بر پایه احادیث معتبر به ما

رسیده باشد و در بعضی از این احادیث، قرائت معروف و مشهور را قبول نمی‌کند و برهانی بر اشتباه بودن آن ذکر می‌کند. در شرح ذیل چند نمونه ذکر می‌شود: نمونه اول: در آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (توبه/۷۳)؛ عبارت «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» نقل و حکایت شده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۲۵۴/۵).

نمونه دوم: در آیه شریفه «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال/۱)؛ به این صورت «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» نقل شده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۶۷/۵).

نمونه سوم: در آیه مبارکه «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا» (توبه/۱۱۸)؛ به صورت «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَالَفُوا» ذکر شده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۳۱۰/۵).

ملاک سوم: قرائت شاذ در مقابل قرائت معروف و مشهور

قرائت شاذ به قرائتی گفته می‌شود که مورد توجه همه قاریان قرار نگرفته و در مقابل قرائت رایج و مشهور قرار گرفته است. شیخ طوسی قرائت شاذ را نمی‌پذیرد، چون که خصوصیت قرائت شاذ آن است که از یک نفر حکایت شده و همراه و موافق نداشته است. شیخ طوسی قرائت شاذ را معتبر نمی‌داند و می‌گوید نمی‌توان به آن قرائت اعتماد کرد. دو نمونه در این زمینه در شرح ذیل بیان می‌شود:

۱. «لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» (نساء/۱۴۸)؛ در این آیه شریفه شیخ طوسی زید بن اسلم (تابعی مدنی) و ضحاک بن مزاحم (تابعی کوفی) را بیان می‌کند که «مَنْ ظَلَمَ» قرائت کرده است. با توجه به این قرائت؛ معنای آیه شریفه این می‌شود: «خداوند آشکار ساختن بدی را دوست ندارد، مگر درباره کسی که ستم کرده است.» شیخ طوسی با اینکه معنای مختلفی در مورد این آیه مطرح می‌سازد؛ ولی به خاطر شاذ بودن کنار می‌گذارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۳۷۱/۳).

۲. «مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا» (کهف/۵)؛ در این آیه شریفه شیخ طوسی بعضی از قراء مکی را ذکر کرده است که «كَلِمَةً» را مرفوع خوانده‌اند. این قرائت در زبان عربی نیز نمونه دارد؛ چون گفته می‌شود: «(بُرِّقُولُکَ وَکَبُرَتْ شَانُکَ) این نوع قرائت به حسن بصری و ابن محیصن نسبت داده شده است (البناء، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر، ۱۴۲۷: ۱/۳۶۳). با توجه به این قرائت، نصب «كَلِمَةً» تمیز واقع شده و فاعل «كَبُرَتْ» حذف شده است. معنای این آیه چنین است: «كَبُرَتْ کَلِمَاتٌ تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ کَلِمَةً» و در قرائت رفع هیچ نوع احتیاجی به تقدیر



گرفتن فاعل ندارد. قرائت نصب در افاده تعجب قوی تر است. شیخ طوسی قرائت نصب را دلیل اجماع قاریان قوی می داند و قرائت رفع را شاذ می داند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۶/۷).

ملاک چهارم: نادرستی قرائتی که به واسطه احادیث معتبر مورد نهی معصومین علیهم السلام قرار گرفته است.
هر قرائتی که بر اساس احادیث معتبر و سند صحیح مورد نهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام قرار گرفته باشد، بدون شک آن قرائت نادرست و ناروا خواهد بود. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: قرآن را به اصالت عربی آن یاد بگیرید و در آن از «نبر» دوری اختیار کنید (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۸۹/۲۱۱)؛ و روایت دیگر از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است که فرمودند: گویش قریش فرو آمد و آنان نبر نمی کردند (همان: ۲۶۴/۷۵).

«نبر» تأکید بر تلفظ یک حرف، یا به بخصوص گونه ای تلفظ همزه است، مثل اینکه «نبی» را «نبیء» تلفظ کند. خلیل بن احمد فراهیدی در این مورد می نویسد: نبر، آوردن همزه در سخن است و در احادیث ذکر شده است که شخصی در خدمت رسول اسلام صلی الله علیه و آله آمد و صدا زد یا نبیء الله. رسول اسلام صلی الله علیه و آله به این شخص فرمود: در اسم من نبر استفاده نکنید (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۸/۲۶۹).

بر این اساس قرائت قرآن مجید با صفت «نبر» مورد قبول رسول اکرم صلی الله علیه و آله، و معصومین علیهم السلام نبوده است. مرحوم شیخ طوسی در سوره مبارکه بقره قرائت «التَّيْنَيْنِ» را به جای «التَّيْنِ» قبول نمی کند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱/۲۶۹). بدون شک امرونی در احادیث و در مورد قرائت قرآن کریم، زمانی قابل اعتبار است که بر اساس روایات معتبر و قوی ثابت شده باشد و اگر بر پایه روایات ضعیف و نامعتبر باشد، قرائت قرآن کریم هیچ نوع تغییر نخواهد کرد.

مبنای دوم: قابل اعتمادترین قرائت نزد شیخ طوسی

شیخ طوسی یکی از قرائت را بر اساس شواهدی که بر دیگر قرائات ترجیح یا قابل اعتماد می شمارد. در شرح ذیل چهار نوع ملاک بیان می شود.

ملاک اول: مناسبت و سازگاری بیشتر با دیگر آیات قرآن کریم

شیخ طوسی در بعضی از جاها یا در برخی موارد قرائت یک آیه شریفه را به دلیل مناسبت بیشتر با آیه شریفه دیگر ترجیح می دهد و آن را قابل اعتمادترین قرائت می شمارد. در ذیل این مطلب سه نمونه در ذیل بیان می گردد:

نمونه اول: «مَنْ بَعْدَ وَصِيَّةِ يَوْمِي بِهَا أَوْ دِينَ» (نساء/۱۱)؛ «بعد از انجام وصیتی که کرده اید و ادای

دین.» در آیه شریفه شیخ طوسی دو قرائت را ذکر کرده است. قرائت اول: ابن عامر، ابن کثیر و عاصم به روایت ابوبکر «یُوصَى» (مجهول)؛ قرائت دوم: از قاریان دیگر، «یُوصَى» (معلوم) به قرائت معلوم خوانده‌اند. شیخ طوسی قرائت کسر را به دلیل اینکه در شروع آیه در مورد شخص متوفی «إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ» آمده است، پس به خاطر همین، قرائت دوم را قابل اعتماد و قوی‌تر می‌شمارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۲۷/۳).

نمونه دوم: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا» (آل عمران/ ۳۷)؛ در این آیه شریفه در مورد اختلاف قرائت به این شیوه بیان شده است که قاریان کوفه «كَفَّلَهَا» را با تشدید قرائت کرده‌اند و دیگر قاریان «كَفَّلَهَا» را بدون تشدید خوانده‌اند. شیخ طوسی قرائت دیگر قاریان را (یعنی قرائت بدون تشدید) قابل اعتماد و قوی‌تر می‌شمارد، به دلیل اینکه با آیه «أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ» متناسب‌تر است، لذا این قرائت از قاریان کوفه قوی‌تر می‌داند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴۴۵/۲).

نمونه سوم: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَأَخَوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ» (یوسف/۷)؛ «در (داستان) یوسف و برادرانش نشانه‌های (هدایت) برای سؤال‌کنندگان بود.» در این آیه شریفه قرائت ابن کثیر به این شیوه بیان شده است: «آیة لِّلسَّائِلِينَ» شیخ طوسی این قرائت را قوی‌تر می‌داند، به خاطر اینکه با این «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ أُمَّهُ آيَةً» (مومنون/۵۰) همسانی دارد. شیخ طوسی در تفسیر التبیان می‌فرماید: در این دو آیه، واژه آیه مفرد است و دال بر آن است که قضیه حضرت یوسف علیه السلام و برادرانش، مانند قضیه حضرت مسیح علیه السلام و حضرت مریم علیهما السلام، یک آیه (نشانگر) یکپارچه به شمار می‌آید (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴۴۵، ۲).

ملاک دوم: موافقت قرائت منقول از صحابه

در نظر شیخ طوسی اگر قرائت یک آیه موافق با قرائت منقول یکی از صحابه باشد، آن را قابل اعتماد و قوی‌تر می‌داند. در نظر شیخ طوسی، صحابه‌ای است که دارای مصحف بوده‌اند و به این نظریه می‌رسد که قرائت منقول از آنان ریشه در مصحف آنان داشته باشد. در مورد این مطلب دو نمونه در شرح ذیل بیان می‌شود:

نمونه اول: «إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال/ ۱۹) در این آیه شریف، نافع، ابن عامر و حفص «أَنَّ» را به فتح قرائت کرده‌اند و بقیه قاریان «إِنْ» به کسر خوانده‌اند. شیخ طوسی قرائت کسر را قبول می‌کند، چون این قرائت با قرائت عبدالله بن مسعود موافقت دارد، لحاظ این قرائت از قرائت دیگر



قوی تر و قابل اعتمادتر است. قرائت منقول از عبدالله بن مسعود به شرح است: «وَاللَّهُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ» بنا بر قرائت به کسر، واو شروع جمله استناف است و در قرائت عبدالله بن مسعود نیز واو استینافی است؛ پس به خاطر این قرائت کسر با قرائت عبدالله بن مسعود موافقت دارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۵/ ۹۰).

نمونه دوم: «وَالَّذِينَ يَمَسُّونَ الْكِتَابَ» (اعراف/ ۱۷۰)؛ در این آیه شریفه ابوبکر «يُمَسِّكُونَ» (از باب افعال) قرائت کرده است و بقیه قاریان «يَمَسُّونَ» (از باب تفعیل) خوانده اند. شیخ طوسی قرائت با تشدید را از باب تفعیل پذیرفته اند و به دلیل این، این قرائت را قبول کرده اند، چون این قرائت با قرائت اُبی بن کعب موافقت دارد. به خاطر این، این قرائت از نظر شیخ طوسی قوی و قابل اعتماد است. اُبی بن کعب «مَسَّكُوا» خوانده است و «مَسَّكُوا» و «يَمَسُّونَ» هر دو از باب تفعیل است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۵/ ۲۰).

ملاک سوم: قرائت دربرگیرنده وجوه بلاغی و ادبی

شیخ طوسی قرائتی را ترجیح و قوی می داند که از لحاظ بلاغی و ادبی مناسبت داشته باشد. در مورد این مطلب در شرح ذیل دو نمونه بیان می شود:

نمونه اول: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّعَالَمِينَ» (روم/ ۲۲)؛ «و از آیات او آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های شماست، در این نشانه هایی است برای عالمان.» در این آیه شریفه هم شیخ طوسی دو قرائت نقل کرده است. قرائت اول: عاصم به روایت حفص «عَالِمِينَ» خوانده است و بنابراین نشانه های برشمرده شده در آیه را مخصوص عالمان قرار داده است؛ قرائت دوم: قرائت بقیه قاریان «عَالَمِينَ» خوانده اند که بنا بر آن نشانه ها برای همه جهانیان است؛ برای تمام مکلفانی که توانایی دارند که بدان نشانه ها استدلال کنند و از این ها عبرت کسب کنند. شیخ طوسی این قرائت را سودمندتر و قابل اعتمادتر می داند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۸/ ۲۲۹).

نمونه دوم: «أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ» (نساء/ ۱۹)؛ در این آیه شریفه هم شیخ طوسی دو نوع قرائت را ذکر کرده است: قرائت اول: ابن کثیر و حفص به روایت ابوبکر «مُبِينَةٍ» قرائت کرده اند؛ قرائت دوم: بقیه قاریان «مُبِينَةٍ» قرائت کرده اند؛ اما مُبِينَةٍ اسم مفعول است و به سبب آن بر آن دلالت می کند که فعل فاحشه باید آشکار شود. مُبِينَةٍ اسم فاعل است و قرائت به سبب آن بر آن دلالت می کند که فعل فاحشه خود آشکار می شود. شیخ طوسی قرائت به کسر «مُبِينَةٍ» را قوی و سودمندتر می داند؛ چون به خاطر

اینکه شریعت بر آن است که فعل فاحشه آشکار شود (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۴۷/۳).

ملاک چهارم: قرائت فصیح‌تر و معروف‌تر

شیخ طوسی در مواردی که قرائت یک آیه از آیه دیگر فصیح‌تر و شناخته‌شده‌تر باشد، آن را ترجیح و قابل اعتماد می‌شمارد. دو نمونه در مورد این مطلب شرح ذیل بیان می‌شود:

نمونه اول: «أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» (قصص/ ۲۹)؛ در این آیه شریفه، در مورد «جَذْوَةٍ» نوع قرائت بیان شده است: نوع اول «جَذْوَةٍ» است که این قرائت عاصم می‌باشد؛ نوع دوم: «جَذْوَةٍ» است، این قرائت حمزه و خلف بن هشام است؛ نوع سوم: «جَذْوَةٍ» است که قرائت قراء دیگر است. مرحوم شیخ طوسی هر سه قرائت را یک واژه حساب می‌کند، ولی قرائت کسره «جَذْوَةٍ» را فصیح‌تر و معروف‌تر به حساب می‌آورد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۳۵/ ۸).

نمونه دوم: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ» (مائده/ ۲)؛ در این آیه شریفه هم دو نوع قرائت ذکر شده است. قرائت نوع اول: «يَجْرِمَنَّكُمْ» است، این از عموم قاریان است و این را ثلاثی مجرد گفته‌اند؛ قرائت نوع دوم: «لَا يُجْرِمَنَّكُمْ» است، این از یحیی بن وثاب و اعمش است (از باب افعال). شیخ طوسی هر دو قرائت را درست و صحیح می‌شمارد و قرائت «يَجْرِمَنَّكُمْ» را فصیح‌تر و معروف‌تر می‌داند، به خاطر اینکه این را افضل می‌شمارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴۲۳/ ۳).

نمونه سوم: در آیه شریفه «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ» (بقره/ ۲۸۳)؛ دو نوع قرائت نقل شده است. نوع اول: ابن کثیر و ابوعمرو «فَرِهَانٌ»؛ نوع دوم: بقیه قاریان «فَرِهَانٌ» خوانده‌اند. «رهن» مصدر ثلاثی مجرد و «رِهَان» مصدر باب افعال است. صاحب تفسیر التبیان قرائت «فَرِهَانٌ» را فصیح‌تر و افضل می‌داند. از آن‌رو که در خط مصحف، الف در میان لفظ نگاشته نشده است، قرائت «فَرِهَانٌ» با خط مصحف نیز هماهنگ‌تر است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۳۷۶/۲).

مبنای سوم: تواتر قرائات قرآن کریم از نظر شیخ طوسی

شیخ طوسی راجح به بحث تواتر قرائات می‌فرماید: «و اعلموا ان العرف من مذهب أصحابنا و الشائع من اخبارهم و روایاتهم ان القرآن نزل بحرف واحد، علی نبی واحد، غیر انهم اجمعوا علی جواز القراءة بما يتداوله القراء و أن الإنسان مخیر بای قراءة شاء قرأ، و كرهوا تجوید قراءة بعینها بل أجازوا القراءة بالمجاز الذي يجوز بین القراء و لم يبلغوا بذلك حد التحريم والحظر» (همان: ۷/ ۱)؛ «بدانید که همان عرف در مذهب اصحاب ما و آنچه از اخبار و روایات آن‌ها شایع است، آن است که قرآن به حرف



واحد و بر پیامبر واحد نازل گردیده است، مگر اینکه آن‌ها بر جواز قرائتی که بین قاریان متداول رایج است، اجماع نموده‌اند؛ و انسان مخیر است که هرکدام از قرائت‌ها را قرائت کند.»

مبنای چهارم: احرف سبعة نزد شیخ طوسی

یکی از مباحث مهم مبنای قرآنی، بحث حروف سبعة قرآن کریم است که در روایت‌های مختلفی آمده است که «نزل القرآن علی سبعة احرف». شیخ طوسی هفت حروف را قبول ندارند. وی احرف سبعة را به اهل سنت نسبت داده و می‌گوید: این روایت از اخبار واحد است، لذا نمی‌تواند مبنای عمل و تفسیر قرار بگیرد، در صورتی هم که روایت پذیرفته شود، بهترین و شایسته‌ترین توجیه برای حدیث احرف سبعة این است که تلاوت قرآن مجید به لهجه‌ها و قرائت‌های مختلف و متعدد جازز است (همان: ۱/ ۱۹۵).

مبنای پنجم: حجیت قرائات قرآن کریم نزد شیخ طوسی

یکی از مباحث مهم مبنای قرآنی، بحث حجیت قرائات قرآن کریم است که دانشمندان پیروان مذهب امامیه اتفاق نظر دارند که قرائت قرآن کریم بر اساس قرائت‌های رایج و مشهور در میان مسلمانان را جایز دانسته‌اند و راجح به بحث، حدیث زراره از امام جعفر صادق (ع) فرموده‌اند: «إِقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» که قرآن کریم را آن‌چنان‌که مردم می‌خوانند بخوان. در حدیث دیگری از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که فرموده‌اند «إِقْرَأُوا كَمَا عَلَّمْتُمْ» قرآن کریم که را آن‌چنان‌که آموختید بخوانید. با توجه به این روایات، روشن می‌شود که بر اساس هر قرائتی که در عصر معصومین (ع) در بین امت اسلامی مشهور بوده، قابل توجه است و تبعیت از آن‌ها جایز بوده و در حال حاضر هم جایز است، خواه از قاریان هفت‌گانه باشد یا از دیگر قاریان باشد، ولی در اینجا صرف نظر شیخ طوسی در مورد بحث حجیت قرائات قرآن کریم، در ذیل بیان می‌شود. حجیت قرائات یکی از مباحث مهم علوم قرآنی است و در شرح ذیل نظر شیخ طوسی در مورد حجیت قرائات بیان می‌گردد.

شیخ طوسی می‌گوید: جمهور علمای شیعه قرائت قرآن مطابق قرائت‌های مشهور میان مردم را جایز دانسته‌اند و گفته‌اند: می‌توان قرآن را طبق هر یک از قرائت‌های هفتگانه تلاوت نمود و انتخاب قرائت خاصی را مکروه دانسته‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۷/۱). وی می‌فرماید: روایات اهل سنت دلالت می‌کند که قرآن کریم بر هفت حروف نازل شده است، ولی وی آن را خبر واحد و غیرقطعی می‌شمارد و با توجه به اینکه در مورد این بحث دیدگاه‌های مختلفی از طرف

دانشمندان اسلام مطرح شده است، ولی شیخ طوسی در توجیه آن‌ها گفته است: برفرض این‌که احادیثی که در مورد آن بیان شدند، صحیح و درست باشند، ولی اگر درباره آن توجیه شایسته‌ای هم بشود آن است که مقصود از سبعة احرف، هفت وجه اختلاف در قرائات، من جمله اختلاف در حروف، تأخیر کلمه و اعراب و تقدیم، حساب کنیم چنانچه اهل بیت علیهم‌السلام خواندن قرآن مجید را بر اساس قرائات متعدد قراء را جایز دانسته‌اند (همان: ۷-۹).

مبنای ششم: قرائات قرآن کریم و عدم تحریف نزد شیخ طوسی

با توجه به اینکه سه نفر از مشهورترین و معروف‌ترین قراء سبعة را شیعه دانسته‌اند. این سه نفر عبارت‌اند از: علی بن حمزه بن بهمن الکسائی (خویی، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳: ۱۲/۴۲۸)؛ حمزه بن حبيب المقرئ الکوفی از اصحاب امام جعفر صادق علیه‌السلام (همان: ۷/۲۷۹)؛ عاصم بن بدله ابی النجود الکوفی (همان: ۱۰/۱۹۵)؛ تا قبل از مرحوم شیخ طوسی نقل قرائات معروف از کم‌ارزش‌ترین بخش‌ها در احادیث تفسیری شیعه امامیه به شمار آمده است. کتب مراجع امامیه و عامه به بیشتر از ائمه معصومین علیهم‌السلام در بعضی آیات قرآن کریم، قرائت ویژه و حتی گاهاً بعضی‌ها به مصحف ویژه امام جعفر صادق علیه‌السلام نسبت داده‌اند (زنجان، تاریخ القرآن، ۱۴۰۴: ۷۹-۷۸). بعضی از این قرائات را از اصحاب ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل نکرده‌اند، بلکه نقل‌کننده آن‌ها عمدتاً نویسندگان کتب تفسیر و قرائات قرآن مانند ابن خالویه، ابو عمرو دانی، طبری، ابن جزری و زمخشری بوده‌اند. برخی قرائات ویژه ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز در کتب تفسیری امامیه و عامه آمده است.

اگر بعد از عصر غیبت به این سمت توجه شود، مفسران امامیه خیلی کم به نقل قرائات ویژه ائمه معصومین علیهم‌السلام پرداخته‌اند و در مقابله آن حجم منقولات قرائت از قراء معروف یا حتی شاذ، زیاد و زیادتر می‌شود. در قدیمی‌ترین متون تفسیری امامیه، اشاراتی به نحوه قرائت ویژه ائمه معصومین علیهم‌السلام در مورد بعضی آیات قرآن کریم یافته می‌شود که همگی قبل از دوره شیخ طوسی بوده است. بعضی از این موارد به آیاتی مربوط می‌شوند که تفاوت معنایی بزرگی ایجاد می‌کند؛ مانند «کنتم خیر ائمه» به جای «خیر ائمه» (آل عمران/۱۱۰)؛ یا در آیه دیگر «بلغ ما انزل الیک فی علی» (مائده/۶۷)؛ اما تفسیر التبیان اولین تفسیر امامیه است که شیخ طوسی در قرن پنجم نوشته است، ولی باز هم مواردی از نقل اختلاف قرائات یافته می‌شود، با این تفاوت که اولاً نقل‌ها همراه با نقل قرائات معروف سبعة و یا عشر؛ ثانیاً: هیچ‌یک از احادیث اختلاف قرائات منسوب به ائمه معصومین علیهم‌السلام دلالت بر تحریف یا نقصان آیات قرآن کریم ندارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۳/۲۹۷).



قراءات قرآن کریم در تفسیر شیخ طوسی

نقل قراءات متعدد و مختلف در تفسیر التبیان یافته می شود و این غیرقابل قیاس با تفاسیر روایی امامیه قبل از مرحوم شیخ طوسی است. شیخ طوسی نه صرف از قاریان سبعة مشهور حکایت می کند، بلکه قرائت قرآن کریم سبعة از قراء دیگر (قراء سبعة دیگر که شیخ طوسی نقل می کند عبارت اند: یعقوب بن اسحاق حضرمی، ابوجعفر مدنی، ابن محیصن مکی، حسن بصری، یحیی بن مبارک یزیدی، سلیمان بن مهران اعمش، خلف بن هشام بزاز نیز حکایت می کند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۶۶۸ - ۶۶۹). علاوه بر این، نقل قراءات شاذ در این تفسیر بسیار زیاد است (طوسی، منهج الشیخ الطوسی، ۲۰۰۴: ۱۶۳ - ۱۶۵ - ۱۷۹). این ها به خاطر این است که شیخ طوسی در مقدمه تفسیر خویش، انگیزه خود را از نوشتن این تفسیر، این گونه بیان می کند: این تفسیر شامل همه علوم قرآنی و در صدر تمام قراءات، می شمارد. به خاطر همین، در جاهای متعدد این تفسیر، گاه بخشی جداگانه با عناوین چون «القراءة واللغة» یا «القراءة والحجة»، «القراءة»، بیان می کند و در مورد آن مباحث مختلف قراءات را ذکر می کند. این منهج به صورت منقح تر بعدها در تفسیر مجمع البیان ادامه یافته است (کریمی نیا، اختلاف قراءات یا تحریف قرآن: نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر تبیان، ۱۳۸۵).

علامه عسکری می گوید: دخول همه اقوال در مورد اختلاف قراءات از منبع عامه به منبع و کتب امامیه دو عامل داشته است: عامل اول: اثر غلات با سوء نیت؛ عامل دوم: فعل بعضی از دانشمندان از روی حسن نیت. عامل اول احمد بن محمد بن سیار، این مهم ترین شیعه غالی و داخل کننده این احادیث به کتب امامیه به شمار می رود (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرسین، ۱۴۱۶: ۳، ۲۴۶)؛ و در عامل دوم مهم ترین دانشمند و مفسر قرآن کریم مذهب امامی، مرحوم شیخ طوسی به شمار می رود که در تفسیر گران سنگ خود با امانت کامل، قراءات قرآن کریم را از منابع عامه نقل می کند. بعد از شیخ طوسی، ابوالمحاسن جرجانی، ابوالفتوح رازی، طبرسی و محمد بن مرتضی کاشانی در تفسیر المعین همین روش شیخ را ادامه داده اند (کریمی نیا، اختلاف قراءات یا تحریف قرآن: نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر تبیان، ۱۳۸۵).

مبنای هفتم: رابطه قراءات با تفسیر قرآن

قراءات های مختلف و متعدد گرچه در اوضاع و حالات بسیار تنها به تغییرات قالب و فرم کلمات کشیده شده است و در اغلب حالات هیچ گونه تأثیر معنایی را به تعاقب نخواهد آورد، ولی مسلماً در

بخش دیگری از آیات قرآن کریم اثربخشی معنایی دارد و به صورت نوع مختلف خواندن و قرائت آن به دقت ساختار کلمات و نیز در بعضی از آیات قرآن کریم معنا را دگرگون خواهد کرد. هنگامی که تألیفات و نوشته‌های علوم قرآنی در اوضاع و حالات علم قرائات نگاه می‌کنیم، دیده می‌شود که اعاضی همچون آیت الله خویی، آیت الله محمد مهدی معرفت، ابن جزری، ابن قتیبه و ... وجوه قرائات قرآن کریم را در اوضاع و مواردی مانند: افتراق و تمایز در حرکات اعراب و بنا، زیاد و نقصان، تخفیف و تشدید، قصر، مد، تقدیم و تأخیر، اخفا و اظهار، ترقیق و تفخیم، و ... بیان کرده‌اند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۰۶؛ ابن الجزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۱/ ۲۶)، ولی می‌توان به صورت اجمالی این گونه بیان کرد که افتراق و تمایز در اعراب کلمه و بناء آن به صورتی که به تغییر معنا ختم شود، ولی ساختار کلمه در نوشته از بین نرود مانند: «فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا» (سبا/ ۱۹)؛ بقیه «باعِد» را به لفظ امر قرائت کرده‌اند، مگر یعقوب که به لفظ جمله خبریه قرائت کرده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۸/ ۳۸۶)؛ و نیز در آیه شریفه «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره/ ۳۷)؛ «سپس آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت (و با آن‌ها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت، خداوند تواب و رحیم است.» ابن کثیر «آدم» را به نصب قرائت کرده است و «کلمات» با رفع خوانده است و بقیه قاریان به رفع «آدم» و نصب «کلمات» قرائت کرده‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱/ ۱۶۶).

افتراق و تمایز در حروف کلمه و نه در اعراب آن به صورتی که منجر به تغییر معنا شود؛ اما ساختار کلمه از بین نرود، مانند: «وَ أَنْظِرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/ ۲۵۹)؛ (اکنون) به استخوان‌ها (ی مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آن‌ها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم و گوشت بر آن می‌پوشانیم! هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: می‌دانم خدا بر هر کاری توانا است» ابن عامر و اهل الکوفه «نُنْشِزُها» را با «بالزای» قرائت کرده‌اند و بقیه «بالراء» خوانده‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۲/ ۳۲۰)؛ همین طور در این آیه شریفه «هُنَالِكَ تَبْلَوْا كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (یونس/ ۳۰)؛ «در آن هنگام (و در آنجا) هرکس عملی را که قبلاً انجام داده است، می‌آزماید و همگی به سوی الله، مولا و سرپرست حقیقتی خود بازمی‌گردند و آن‌ها را که به دروغ شریک خدا قرار داده بودند، گم و نابود می‌شوند.» اهل کوفه به جز عاصم «تَبْلَوْا» التاء قرائت کرده‌اند و بقیه با «بالباء» خوانده‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۵/ ۳۶۹).



افتراق و تمایز در کلمه به گونه‌ای که هم معنا تبدیل شود و هم شکل و صورت کلمه از بین برود، مانند: «وَطَلَحَ مَنْضُودٌ» (واقعه/۲۹)؛ را «طلع منضود» به شکل شاذ خوانده‌اند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۱۰۸/۲؛ ابن الجزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۱/۲۶).

افتراق و تمایز در بودن و نبودن حرف، مانند «مَالِکِ یَوْمَ الدِّینِ» (بقره/۴)؛ «خدایی که مالک روز جزاست». عاصم، کسایی، خلف و یعقوب، «مالک» را و بقیه «ملک» خوانده‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱/۳۳)؛ هم چنین در این آیه شریفه به جابه‌جایی کلمات معتقد هستند، مانند «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» (ق/۱۹)؛ در مورد این آیه دو معنای ذکر شده است. معنای اول: «جاءت السکره بالحق من أمر الآخرة حتى عرفه صاحبه واضطر اليه»؛ معنای دوم: «و جاءت سکره الموت بالحق الذي هو الموت» و روی ان أبابکر و ابن مسعود کانا یقرآن «و جاءت سکره الحق بالموت» و هی قراءة أهل البيت (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۹/۳۶۵). در این آیه شریفه اختلاف در داشتن و نداشتن تشدید است. «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شعراء/۱۹۳)؛ «روح الامین آن را نازل کرده است» دو نوع قرائت در مورد «نَزَلَ» بیان شده است: قرائت اول: ابن عامر و اهل کوفه به جز حفص و یعقوب «نَزَلَ» را با تشدید «نَزَّلَ» قرائت کرده‌اند؛ قرائت دوم: بقیه «نَزَلَ» را با تخفیف خوانده‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۸/۶۱).

نتیجه

شیخ طوسی در مقام مفسر و فقیه بزرگ شیعه، قرائت قرآن مجید را به قرائت‌های مشهور و معروف می‌پذیرد. شیخ طوسی در مورد اعتبار قرائت‌های نقل شده قرآن مجید چهار قاعده را ذکر کرده است: سازگاری با قواعد لسان عربی داشته باشد. شیخ طوسی قرائتی را قبول می‌کند که با قواعد و اصول قطعی لغت، صرف و نحو عربی سازگار باشد و قرائتی که با اصول موافق نباشد، مردود می‌شمارد؛ وی قرائت شاذ را معتبر نمی‌داند و می‌گوید نمی‌شود به آن قرائت اعتماد کرد؛ هر قرائتی که بر اساس احادیث معتبر و سند صحیح مورد نهی رسول اکرم (ص) و معصومین (ع) قرار گرفته باشد، بدون شک آن قرائت نادرست و ناروا خواهد بود. هر قرائتی که با خط مصحف موافقت نباشد، آن قرائت قابل تحسین نیست و این نوع قرائت به مردود شمار می‌رود.

صاحب تفسیر التبیان در مورد رجحان قرائت نیز چهار ملاک را ذکر می‌کند:

قرائتی که با دیگر آیات کلام الله مناسبت بیشتری داشته باشد، ترجیح دارد؛ هر قرائتی که شامل

وجوه ادبی و بلاغی باشد، ترجیح دارد؛ هر قرائتی که با قرائت نقل شده از صحابه، به خصوص صحابی دارای مصحف مثلاً ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود سازگاری داشته باشد، ترجیح دارد؛ هر قرائتی که شامل الفاظ شایع تر و فصیح تر باشد، ترجیح دارد. چهار قاعده اعتبار قرائت و چهار ملاک در باب رجحان نزد شیخ طوسی می تواند راه خوبی برای محققان در زمینه قرآن کریم در برگزیدن قرائت و تفسیر و فهم درباره اختلاف قرائت باشد.



منابع

۱. ترجمه قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمدعلی، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد دمشقی، النشر فی قرائات العشر، دار الکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۳. ابن فارس، ابوالحسین زکریا، معجم مقانیس اللغة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن مجاهد، أبوبکر أحمد بن موسى، السبعة فی القرائات، تحقیق: شوقی ضیف، دارالمعارف، قاهره: ۱۴۰۰ ق.
۵. البلاغی، محمدجواد بن حسن، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بعثت، تهران: ۱۴۲۰ ق.
۶. البناء، احمد بن محمد دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعة عشر، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۷ ق.
۷. تهانوی فاروقی، محمدعلی، کشاف اصطلاحات الفنون، به تحقیق: عبدالبدیع لطفی، وزارة الثقافة، قاهره: ۱۹۶۳ م.
۸. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بی جا: چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
۹. الدوسری، عبدالله بن برجس، اثر اختلاف القراءات فی الاحکام الفقہیہ، الدوسری، دارالهدی النبوی، مصر: ۱۴۲۶ ق.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، انتشارات مرتضوی، تهران: ۱۳۷۵ ش.
۱۲. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۳.
۱۳. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، محققان: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، دارالمعرفه، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ القرآن، منظمة الاعلام السلامی، تهران: ۱۴۰۴ ق.
۱۵. السبزواری، ملا هادی، شرح منظومه، به کوشش: حسن حسن زاده آملی، ناب، تهران: ۱۴۱۷ ق.

۱۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، جوامع الجامع، ترجمه: احمد امیری شادمهری، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد: ۱۳۷۴ ش.
۱۷. —، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، تهران: بی تا.
۱۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۲۰. —، منهج الشيخ الطوسی، تحقیق: کاصد یاسر الزیدی، بیت الحکمه، بغداد: ۲۰۰۴ م.
۲۱. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرسین، مجمع العلمی الاسلامی، تهران: چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. کریمی نیا، مرتضی، «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن: نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر تبیان»، مجله علوم حدیث، سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰. ۱۳۸۵ ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه: ابو محمد وکیلی، تحت عنوان: آموزش علوم قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، بی جا: ۱۳۷۴.



References

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Esfahani, Dar al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom: ۲۰۰۴.
۲. Al-Balaghi, Muhammad Jawad bin Hassan, Ala' al-Rahman fi Tafsir al-Quran [The Divine Bounties in the Interpretation of Quran], Be'that, Tehran: ۱۴۲۰ AH.
۳. Al-Banna', Ahmad bin Muhammad Damiaty, Ithaf Fuzala al-Bashar fi al-Qira'at al-Arba'ah Ashar [The Presentation of Noble Persons about the Fourteen Recitations], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۲۷ AH.
۴. Al-Dosari, Abdullah bin Birji, Athar Ikhtilafat al-Qira'at fi al-Ahkam al-Fiqhiyyah [The Effect of Dispute of Recitations in Jurisprudential Percepts], Dar al-Huda al-Nabawi, Egypt: ۱۴۲۶ AH.
۵. Al-Sabzavari, Mullah Hadi, Sharh Manzumah [Commentary on Manzumah], Prepared by Hassan Hassanzadeh Amoli, Nab, Tehran: ۱۴۱۷ AH.
۶. Al-Zarkashi, Muhammad bin Abdullah, Al-Burhan fi Ulum al-Quran [A Demonstration in Quranic Sciences], Researched by Yusuf Abd al-Rahman Mara'shli, Jamal Hamdi and Ibrahim Abdullah Kurdi, Dar Al-Ma'rifah, Beirut: ۲nd Edition, ۱۴۱۰ AH.
۷. Askari, Murtada, Al-Quran al-Karim wa Riwayat al-Madrasatayn [The Holy Quran and The Narrations of the Two Major Schools of Thought in Islam], Al-Majma' al-Ilmi al-Islami, Tehran: ۲nd Edition, ۱۴۱۶ AH.
۸. Dehkhoda Ali Akbar, Lughat Nameh [The Dictionary], Dehkhuda Institute and Tehran University, Tehran: ۱۹۹۴.
۹. Esfahani, Hossein bin Muhammad, Mufradat fi Alfaz al-Quran [Dictionary of Words of Quran], Murtadhavi Publications, Tehran: ۱۹۹۶.
۱۰. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-'Ayn, Hijrat Publications, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۱۰ AH.
۱۱. Ibn Faris, Abu al-Hossein Zakariyya, Mu'jam al-Maqais al-Lughah [An Analogical Templates of Language], Daftar Tablighat Islami [Islamic Preaching Centre], Qom: ۱۴۰۴ AH.

١٢. Ibn Jazari, Abu al-Khayr Muhammad bin Muhammad al-Dimishqi, Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr [A Work on the Ten Recitations], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: N.d.
١٣. Ibn Mujahid, Abu Bakr Ahmad bin Musa, Al-Sab'ah fi al-Qira'at [The Seven Recitations], Researched by Dr. Shawqi Dheif, Dar al-Ma'arif, Cairo: ١٤٠٠ AH.
١٤. Kariminia, Murtada, "The Difference of Recitation [Qira'at] or Distortion of Quran; Glimpse at the Citing Shia Narrations in the Exegesis of Tiyban [= Clarification]", Journal of Hadith Sciences, ١١th Year, Serial No. ٤٠, ٢٠٠٦.
١٥. Khoei, Seyyed Abu al-Qasim, Mu'jam al-Rija al-Hadith [Dictionary on the Science of Biographical Evaluation of Hadith], n.p., N.p.: ٥th Edition, ١٤١٣ AH.
١٦. Ma'refat, Muhammad Hadi, Al-Tamhid fi 'Ulum al-Quran [An Introduction to Quranic Sciences], Translated by Abu Muhammad Wakili, Title of Translation: Learning Quranic Sciences, Sazman Tablighat Islami [Islamic Preaching Organization], N.p.: ١٩٩٥.
١٧. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar [The Oceans of Lights], Muassasah al-Wafa', Beirut: ١٤٠٣ AH.
١٨. Rajabi, Mahmoud, The Method of Quranic Interpretation, Research Institute of Hawzeh [= Seminary] and University, Qom: ٢٠٠٤.
١٩. Tabari, Abu Ja'far Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran [A Comprehensive Statement in the Exegesis of the Quran], Dar al-Ma'rifah, Beirut: ١٤١٢ AH.
٢٠. Tabarsi, Abu Ali Fadhl bin Hassan, Jawami' Al-Jami' [The Abridgment of Comprehensive Exegesis], Translated by Ahmad Amiri Shadmehri, Islamic Researches Foundation, Mashhad: ١٩٩٥.
٢١. _____, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran [A Collection of Expressions Concerning the Interpretation of Quran], Edited by Abulhassan Sha'rani, Ketabfroshe Islamiyah [Islamic Books Publishing Centre and Bookshop], Tehran: n.d.
٢٢. Tayyib, Seyyed Abd al-Hossein, Atyab al-Bayan fi Tafsri al-Qurna [The Best Statement in the Interpretation of Quran], Istishirat Islam [Islam Publications], Tehran: ٣rd Edition, ١٩٩٩.
٢٣. Thanvi Farooqi, Muhammad Ali, Kashshaf Istilahat al-Funun [The Discovering of the



- Terms of Arts], Researched by Abd al-Badee' Lutfi, Ministry of Culture, Cairo: ۱۹۶۳.
۲۴. Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran [A Clarification Concerning the Interpretation of Quran], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
۲۵. _____, Manhaj al-Sheikh al-Tusi [The Method of Sheikh Tusi], Researched by Kasid Yasir al-Zaidi, Bayt al-Hikmah, Baghdad: ۲۰۰۴.
۲۶. Zanjani, Abu Abdullah, Tarikh al-Quran [The History of Quran], Munazzamah al-A'lam al-Islami, Tehran: ۱۴۰۴ AH.